



علوی، طاهره سادات؛ مقدم‌زاده، علی؛ مظاهری، محمد علی؛ حجازی موغاری، الهه؛ صالحی، کیوان؛ افروز، غلامعلی (۱۳۹۷). بازنمایی مولفه‌های احتمال آسیب طلاق: مطالعه‌ای به روش پدیدار شناسی.

DOI: 10.22067/ijap.v8i2.72569

پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۸(۲)، ۸۳-۶۱.

بازنمایی مولفه‌های احتمال آسیب طلاق: مطالعه‌ای به روش پدیدار شناسی

طاهره سادات علوی^۱، علی مقدم‌زاده^۲، محمد علی مظاهری^۳، الهه حجازی موغاری^۴، کیوان صالحی^۵، غلامعلی افروز^۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۱

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی مولفه‌های احتمال آسیب طلاق انجام شده است.

روش: روش پژوهش حاضر کیفی است که با توجه به هدف دستیابی به تجارب زیسته افراد در شرف ازدواج و متقاضی طلاق از طرح پدیدارشناسی استفاده شده است. میدان پژوهش برای ساخت پرسشنامه حاضر عبارت بود از تمامی زوج‌های در شرف ازدواج مراجعه کننده به مرکز بهداشت شماره ۳ مشهد، تمامی متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مرکز مداخله‌ی بهزیستی شهرستان مشهد^۷ و متخصصین در زمینه‌ی خانواده طلاق. شرکت کنندگان شامل ۱۵ زوج در شرف ازدواج، ۲۰ زوج متقاضی طلاق و ۱۵ متخصص در زمینه خانواده و طلاق بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی انتخاب شدند. فن مصاحبه، عمیق و نیمه ساختار یافته بود.

یافته‌ها: مصاحبه‌ها در طول یک دوره‌ی ۶ ماهه جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری شد و تحلیل داده‌ها به شناسایی ۶۵ زیرمولفه و ۸ مولفه‌ی اصلی با مولفه‌های فردی، مولفه‌های روابط زوجی، مولفه‌های خانوادگی، مولفه‌های فرهنگی، مولفه‌های اجتماعی، مولفه‌های اقتصادی، مولفه‌های اعتقادی منتج گردید.

واژه‌های کلیدی: احتمال آسیب طلاق، در شرف ازدواج، متقاضی طلاق

۱. دانشجوی دکتری سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): t.alavi@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی دانشگاه تهران: Amoghadamzadeh@ut.ac.ir

۳. استاد گروه روان‌شناسی بالینی و سلامت، دانشگاه شهید بهشتی تهران

۴. دانشیار گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره دانشگاه تهران

۵. استادیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی دانشگاه تهران

۶. استاد گروه کودکان استثنایی دانشگاه تهران

۷. طبق پروتکل دادگستری یکی از مدارک جهت اجرای طلاق ارائه‌شده تاییدیه توسط مراکز مداخله بهزیستی است

مقدمه

ازدواج یک سنت الهی است که تمامی ادیان آن را توصیه کرده‌اند و از گذشته تا به امروز وجود داشته و دارد ولی آنچه از خود ازدواج مهمتر است سلامت ازدواج و موفقیت و پایداری آن است. کیفیت ازدواج در گرو رضایت از ازدواج می‌باشد و این رضایت سرمنشأ رضایت از زندگی است (Ulker, 2008). سلامت خانواده و به تبع آن سلامت تک تک اعضای خانواده بر پایه‌ی چگونگی رابطه‌ی زناشویی می‌باشد و این مهم زمانی امکان پذیر است که هر دو زوج رضایت کافی از ازدواج داشته باشند (Long & Young, 2007, Greeff, & Malherbe, 2001, quoted by Khodadie Sangdeh, Nazari, & Ahmadi, 2015). از طرفی ازدواج یک نیاز فطری انسانی بوده و از سوی دیگر به عنوان یک ضرورت اجتماعی و بستر آرامش انسان بوده و باعث رشد و شکوفایی وی می‌گردد. هر جوان فهیم و رشد یافته‌ای که قابلیت زوجیت را می‌یابد بایسته آن است که در اولین فرصت زوج همدل و همراه خود را برگزیند و ادامه راه زندگی را با همسری همدل و همدلی آرامشگر بیاماید (Afrouz, 2009).

(Locke, & Wallace 1959, Sabatelli 1988) به این واقعیت اشاره کردند که یک رابطه‌ی زناشویی خوب و هماهنگ زمانی رخ می‌دهد که شرکای زندگی در مورد مسائل مهم توافق داشته باشند، در زمانی که تعارض رخ می‌دهد، با یکدیگر به حل مساله بپردازند، ارتباط موثر داشته باشند، از بودن با هم لذت ببرند و در منافع مشترک با یکدیگر مشارکت کنند (Boden, Fischer, & Niehuis, 2009).

(Lauer, Lauer, & Kerr, 1990) در تحقیقات خود به چهار اصل در پایداری زندگی رسیدند و ویژگیهای زوجین موفق را اینگونه برشمردند: با کسی ازدواج کردند که دوستش داشتند، به فرد مقابل و ازدواجشان تعهد داشتند، شوخ طبع بودند، با یکدیگر اتفاق نظر داشتند. (Rosen-Grandon, Myers, Hattie, 2004).

شناسایی عوامل موثر بر شکل گیری رابطه‌ی زناشویی موفق می‌تواند به پژوهشگران در مورد سلامت ازدواج و عوامل موثر بر شکل گیری پدیدایی سلامت و آسیب در روابط بین زوج‌ها بینش و اطلاعات جامع و دقیقی دهد، اما فقدان و کمبود پژوهش در زمینه‌ی ازدواج‌های موفق تبیین این واقعیت را در حال حاضر دشوار ساخته است. (Olson, Olson, & Larson, 2006 quoted by Darini, & Navabi Nejad, 2012).

(Kotrla, Dyer, & Stelzer, 2010) نیز بیان می‌کنند تفاوت معناداری بین ثبات زناشویی^۱ و کیفیت زناشویی^۲ در ادبیات مرتبط با ازدواج وجود دارد. ثبات رابطه به معنی رخ ندادن طلاق و گسست رابطه بوده در حالی که کیفیت زناشویی به معنای سلامت و خرسندی رابطه است و ثبات رابطه هیچ نقشی در کیفیت

1. Marital stability

2. Marital quality

روابط زناشویی ندارد. با وجود اهمیت کیفیت زناشویی مشاهده می‌گردد بیشتر مطالعات حول محور ثبات زوجی می‌گردد و نیاز مبرمی به مطالعات بیشتر و جدی‌تری در زمینه‌ی شناسایی نقش موقر بر کیفیت زناشویی می‌باشد (Kodadadi sangdeh, Nazari, & Ahmadi, 2015).

در ابتدای شکل‌گیری یک رابطه، پذیرش طرف مقابل و در نظر نگرفتن تفاوت‌های دیگری بخصوص در رابطه‌ی بین زوجین بطور وسیعی اتفاق می‌افتد و هر یک از آنها این تفاوت‌ها را به عنوان عامل جذابیت طرف مقابل و دلیل نزدیکی آن دو با هم ذکر می‌کنند اما پس از گذشت زمان، مسائل محیطی و اتفاقات فی مابین باعث می‌گردد، از تحمل و سازش بسیاری از زوجین کاسته شده و هر یک از آنان درصدد تغییر یکدیگر باشند (Christensen, & Jacobson, 2000). (Waring & al, 1981) به این نتیجه دست یافتند که ناسامانی ازدواج و عدم خشنودی در زندگی زناشویی با شیوع اختلالات عاطفی هیجانی به طور معناداری رابطه دارد. همچنان که ازدواج‌های رضایت‌بخش باعث سلامت و شادمانی همسران شده و از رویدادهای منفی زندگی جلوگیری کرده و در کاهش مشکلات روان‌شناختی تاثیرگذار است (Kazemi, 2003).

(Olson at al. 2006, & Gonzales, 2009 quoted by Darini, & Navabi Nejad, 2012) نقش عامل زوجی را در فروپاشی خانواده اصلی بسیار مهم دانسته بطوریکه از نظر ایشان عدم رضایتمندی زناشویی و حمایت‌های زوجین از یکدیگر می‌تواند پیش‌بینی کننده‌ی مهمی جهت شکست در زندگی زناشویی و ازهم پاشیدن خانواده می‌باشد. پژوهش‌های (Gottman & Levenson, 2003) فروانی بالای طلاق را در دو دوره از زندگی نشان می‌دهند که اولین دوره‌ی حساس برای فروپاشی ازدواج در چرخه زندگی خانوادگی هفت سال اول زندگی و دومین دوره زمانی است که خانواده دارای نوجوان می‌باشد. در همین راستا پژوهش‌های (Long & Young, 2007) نشان می‌دهد که یک سوم ازدواج‌های جدید در امریکا در پنج سال اول زندگی منجر به طلاق و جدایی می‌شود.

(Gottman, & Notarius, 2002, Mott, Kowalaeski, & Menaghan, 2002, Ingram, 2010) تاکید می‌کنند که عوامل موثر بر ازدواج موفق و رضایتمندی زناشویی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و می‌بایست با در نظر گرفتن فرهنگ جامعه به مطالعات بیشتری پرداخته شود. در عین حال بیشتر مطالعات انجام شده بطور پراکنده بر مسائلی تمرکز داشته است که زمینه شکل‌گیری ناخرسندی، تعارض، آسیب و فروپاشی زندگی زناشویی را در بر گرفته و نیاز به مطالعات و پژوهش‌های بیشتری در این زمینه مشهود است (Khodadie Sangdeh, Nazari & Ahmadi, 2015).

(Hakim and Zahedifar, 2000) عدم توجه به نیازهای جنسی همسر، هم‌کفو نبودن، ضعف اعتقادات مذهبی، عدم شناخت متقابل، سوءخلق، دنیاگرایی، کراهت زوجین از یکدیگر و تهمت زدن را به عنوان عوامل طلاق از دیدگاه اسلام نام می‌برند.

(Glasser, 2000, quoted by Esmaeili & Dehdast, 2015) تعارض زناشویی را ناشی از ناهماهنگی زوجین در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحمور بودن، اختلاف در خواسته‌ها و رفتار غیرمسئولانه نسبت به روابط زناشویی تعریف می‌کنند که جنبه صمیمیت عشق را مورد هدف قرار می‌دهد. علاوه بر ملاک‌های انتخاب، عواملی وجود دارند که ازدواج را به سوی عدم موفقیت سوق می‌دهند. برخی مواقع همسران به درستی با هم جور نشده‌اند. مواقعی دیگر همسران سبک و شیوه‌های رفتاری خود را تغییر می‌دهند یا بعضی مواقع یکی از زوجین دچار مشکلات روان‌شناختی می‌شود، وجود استرس‌های زناشویی، فقدان آگاهی برای بهبود روابط زناشویی و عدم وجود تعهد و اعتماد و مهارت حل مساله و دیگر مهارت‌های زندگی از جمله عواملی است که در عدم موفقیت ازدواج دخالت دارند.

با بررسی تحقیقات انجام شده مشاهده می‌گردد اکثر تحقیقات در خصوص کاهش آمار ازدواج، افزایش سن ازدواج، نگرش به ازدواج، رغبت سنج ازدواج و یا بررسی تعداد محدودی از عوامل رضایتمندی یا نارضایتی زناشویی می‌باشد که این پژوهش‌ها تأثیر چندانی در پیش‌بینی و افزایش استحکام خانواده و کاهش طلاق قبل از اقدام به ازدواج ندارد. اما پیدا نمودن مولفه‌هایی که بتواند افراد دارای ریسک طلاق را بر اساس عوامل زمینه‌ای و محیطی موثر بر طلاق تشخیص دهد، می‌تواند به افراد در شناسایی زوج مناسب خود جهت ساختن یک زندگی منسجم و پایدار کمک شایانی نموده و همچنین به متخصصین و مشاوران در راستای برنامه‌ریزی آموزشی و درمانی در مشاوره‌های قبل و حین ازدواج کمک نماید.

روش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی با استفاده از روش پدیدارشناسی بوده که فنون آن مصاحبه و مستندکاوی است و به تبیین پدیده احتمال آسیب طلاق متقاضیان ازدواج جهت غنی‌سازی روابط آتی آنها و شناسایی ملاک‌ها و نشانگرهای مناسب برای تشخیص احتمال آسیب طلاق متقاضیان ازدواج می‌پردازد در پژوهش حاضر که با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختارمند با افراد در شرف ازدواج، متقاضی طلاق و همچنین متخصصان و مشاوران خانواده و طلاق انجام شد، تلاش گردید تا مولفه‌های احتمال آسیب طلاق، شناسایی و بازنمایی گردد.

میدان پژوهش شامل تمامی زوجین در شرف ازدواج مراجعه کننده جهت انجام آزمایشات ازدواج به مراکز بهداشت شماره سه مشهد، متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مرکز مداخله بهزیستی این شهرستان و متخصصین امر ازدواج و خانواده است. جمع آوری داده‌ها با مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته تا حصول اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. تا اینکه نمونه‌ای با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی و در دسترس شامل پانزده زوج در شرف ازدواج و بیست زوج متقاضی طلاق یا مطلقه و پانزده نفر از متخصصین امر ازدواج و خانواده بدست آمد. ملاکهای ورود به مطالعه در متقاضیان ازدواج عبارت بود از: (۱) سن بالای ۱۸ سال و کمتر از ۴۰ سال، (۲) تحصیلات سوم راهنمایی به بالا (۳) ازدواج اول (۴) داشتن تمایل به مشارکت در پژوهش و در افراد متقاضی طلاق علاوه بر موارد فوق، مدت زندگی زناشویی حداکثر ۱۰ سال و متخصصین امر ازدواج و خانواده با حداقل مدرک کارشناسی ارشد مشاوره خانواده و روانشناسی، متاهل و دارای بودن حداقل ۵ سال تجربه در زمینه مشاوره خانواده.

مصاحبه‌ها با چند سوال کلی شروع شده و در طول آن در مواقع لزوم توضیحات بیشتر پرسیده می‌شد و معمولاً بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه به طول می‌انجامید. قبل از انجام مصاحبه توضیحاتی در مورد پژوهش داده می‌شد و رضایت کامل افراد شرکت کننده و با تعهد در اصول رازداری و اخلاقی مصاحبه صورت می‌پذیرفت. مصاحبه با زوجین به صورت مجزا در اتاق مشاوره صورت می‌گرفت. مصاحبه‌ها در طول یک دوره ۶ ماهه جمع آوری، ثبت و با استفاده از روش کلازیری کدگذاری و تحلیل شد. بدین منظور متن مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده شده، سپس به دقت خوانده و عبارات مهم آن مشخص و معنای هر عبارت مهم به صورت کد اولیه نوشته شد، سپس کدهایی که به لحاظ مفهومی شبیه یکدیگر بودند، در یک طبقه و در قالب مولفه‌ی فرعی قرار گرفتند و با ادغام دسته‌های کلی تر و بر اساس توصیف کاملی از پدیده‌ی مورد مطالعه مولفه‌ی اصلی استخراج شد (Givian, 2016).

در ادامه و به منظور اعتباریابی مولفه‌های فرعی و اصلی، در حین مصاحبه برداشت مصاحبه‌گر مورد تایید مشارکت کنندگان قرار می‌گرفت تا بیانگر عمق معنای بیان شده توسط مشارکت کنندگان باشد. همچنین علاوه بر کدگذاری توسط پژوهشگر متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیق تر و کدگذاری مجدد به یک متخصص پژوهش کیفی ارائه شد و در نهایت ۶۵ زیر مولفه و ۸ مولفه‌ی اصلی با عنوان مولفه‌های فردی، مولفه‌های روابط زوجی، مولفه‌های پیشینه‌ی خانوادگی، مولفه‌های جنسی، مولفه‌های فرهنگی،

مولفه‌های اجتماعی، مولفه‌های اقتصادی، مولفه‌های اعتقادی منتج گردید. توافق کدگذاری بین کدگذاران با استفاده از ضریب کاپا برابر ۰,۸۸ بدست آمد که بطور معناداری ضریب همبستگی توافق را نشان می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی متقاضیان طلاق و افراد در شرف ازدواج

متقاضی طلاق	سن		تحصیلات		مدت زندگی زناشویی به سال	در شرف ازدواج	سن		تحصیلات	
	زن	مرد	زن	مرد			زن	مرد	زن	مرد
۱	۳۳	۳۲	کارشناسی	دیپلم	۱۰	۱	۳۱	۲۹	کارشناسی	کارشناسی
۲	۲۵	۲۰	دیپلم	دیپلم	۵	۲	۲۳	۲۲	دیپلم	دیپلم
۳	۳۶	۳۲	دیپلم	دیپلم	۱۰	۳	۲۸	۲۵	دیپلم	کارشناسی
۴	۲۸	۲۱	سیکل	سیکل	۸	۴	۲۵	۲۴	دیپلم	دیپلم
۵	۲۶	۲۴	کاردانی	کاردانی	۲	۵	۲۷	۱۹	دیپلم	دیپلم
۶	۳۰	۲۶	سیکل	دیپلم	۷	۶	۴۰	۲۵	دکتری	کارشناسی
۷	۴۰	۳۰	کارشناسی	دیپلم	۱۰	۷	۳۹	۲۵	دیپلم	دیپلم
۸	۳۱	۲۲	دیپلم	کارشناسی	۱	۸	۴۰	۲۵	دیپلم	دیپلم
۹	۲۷	۲۹	کارشناسی	کارشناسی	۵	۹	۲۳	۱۹	دیپلم	دیپلم
۱۰	۳۸	۳۴	کارشناسی	سیکل	۱۰	۱۰	۲۴	۱۹	کارشناسی	دیپلم
۱۱	۳۰	۲۶	کارشناسی	دیپلم	۹	۱۱	۲۷	۲۰	کارشناسی	دیپلم
۱۲	۳۱	۲۹	سیکل	سیکل	۹	۱۲	۲۷	۱۹	کارشناسی ارشد	دیپلم
۱۳	۲۶	۲۷	سیکل	دیپلم	۶	۱۳	۲۳	۲۰	کارشناسی	دیپلم
۱۴	۳۳	۲۸	کارشناسی	دیپلم	۷	۱۴	۲۳	۲۳	کارشناسی	کارشناسی
۱۵	۲۷	۳۳	دیپلم	دیپلم	۸	۱۵	۲۸	۲۰	کاردانی	دیپلم
۱۶	۲۸	۲۰	فوق دیپلم	دیپلم	۳					
۱۷	۲۷	۲۲	دیپلم	دیپلم	۵					
۱۸	۳۷	۲۹	دیپلم	دیپلم	۲					
۱۹	۲۷	۲۶	کارشناسی	کارشناسی	۳					
۲۰	۳۳	۲۸	کارشناسی	کارشناسی	۷					

جدول ۲. اطلاعات جمعیت شناختی متخصصین

کد	سن	رشته تحصیلی	سابقه کاری	کد	سن	رشته تحصیلی	سابقه کاری
۱	۶۰	روانشناسی بالینی	۳۰	۹	۳۷	روانشناسی بالینی	۵
۲	۴۰	روانشناسی بالینی	۸	۱۰	۵۱	مشاوره خانواده	۲۵
۳	۶۰	روانشناسی بالینی	۳۰	۱۱	۴۷	روانشناسی بالینی	۱۰
۴	۳۸	روانشناسی بالینی	۵	۱۲	۳۷	روانشناسی بالینی	۱۰
۵	۳۷	روانشناسی بالینی	۵	۱۳	۵۳	روانشناسی بالینی	۱۰
۶	۷۳	مشاوره خانواده	۴۰	۱۴	۳۷	روانشناسی سلامت	۱۴
۷	۳۴	روانشناسی عمومی	۵	۱۵	۴۹	روانشناسی بالینی	۱۵
۸	۵۰	مشاوره خانواده	۲۰				

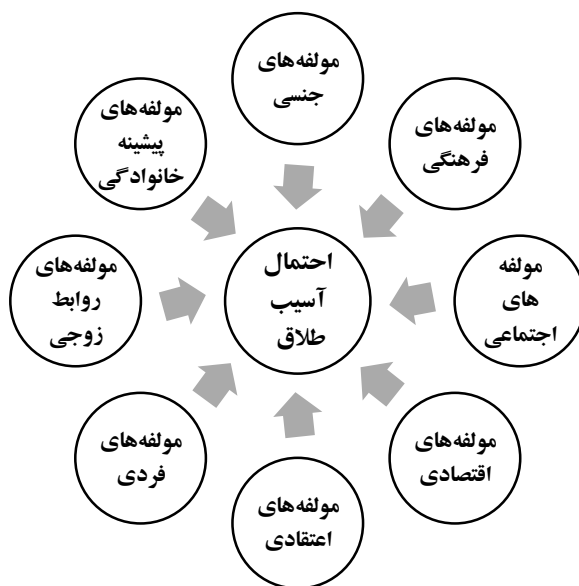
یافته‌ها

بعد از انجام مصاحبه‌ها و تحلیل مبتنی بر هفت گام راهبردی کلایزی، در نهایت ۶۵ زیر مولفه و ۱۰ مولفه اصلی با عناوین مولفه‌ی فردی، مولفه‌ی روابط بین فردی، مولفه‌ی جنسی، مولفه‌ی خانوادگی، مولفه‌ی فرهنگی، مولفه‌ی اجتماعی، مولفه‌ی اقتصادی، مولفه‌ی اعتقادی شناسایی و طبقه‌بندی گردید که در ادامه ابتدا در قالب جدول، نمودار و سپس در قالب نوشتار هر یک با اختصار ذکر می‌گردد.

جدول ۳. ترکیب مولفه‌های فرعی و یافتن مولفه‌ی اصلی

مولفه‌های فرعی	مولفه‌های روابط زوجی	مولفه‌های فرعی و یافتن مولفه‌ی اصلی	
		مولفه‌های جنسی	مولفه‌های فرهنگی
ویژگیهای خلقی مثبت و منفی گذشت تاب آوری	مولفه‌های روابط زوجی	نیاز جنسی	درک متقابل
		مزاجها	آسایش و آرامش
		مسائل فرازناشویی	محبت
		صمیمیت جنسی	همدم و همدل
صداقت		مشورت با همسر	رسومات
انعطاف پذیری		اعتماد به یکدیگر	تکامل یافتن
بلوغ فکری		عشق	تناسب فرهنگی
مدیریت مالی		برنامه‌ریزی مشترک	مقایسه کردن
سن کم		مهارتهای ارتباطی	رابطه با فرد مقابل
تصمیم‌گیری		وفاداری	فرزند آوری
خودآگاهی		احساسات و عواطف	پایگاه اجتماعی
شناخت طرف مقابل		باهم بودن در اوقات فراغت	اطرافیان

فضای مجازی		صمیمیت	مولفه‌های پیشینه خانوادگی	حل مساله	
چشم و همچشمی		حمایت و پشتیبانی		هوش هیجانی	
عادی شدن طلاق		دخالت اطرافیان		باورهای فردی	
اعتیاد		اصالت خانوادگی		سبک زندگی	
فقر	مسئولیت پذیری				
شغل	مولفه‌های اقتصادی	مرزها		تعهد	
وضعیت اقتصادی		روابط خانوادگی		تمایز یافتگی	
توانمندی اقتصادی				ظاهر فرد	
هزینه‌ها	مولفه‌های اعتقادی	اجبار خانواده		مسائل روانشناختی	
خداپرستی		نقش‌ها		تنهایی	
حجب و حیا					
پابند بودن به ارزشهای مذهبی					



نمودار ۱. طرحواره مفهومی پژوهش

همان طور که در جدول و نمودار فوق مشاهده می‌گردد، از ۶۵ زیرمولفه، ۸ مولفه اصلی با عناوین مولفه‌ی فردی، مولفه‌ی روابط بین فردی، مولفه‌ی جنسی، مولفه‌ی خانوادگی، مولفه‌ی فرهنگی، مولفه‌ی اجتماعی، مولفه‌ی اقتصادی، مولفه‌ی اعتقادی از مصاحبه‌ها استخراج شده است. در ادامه به شرح مختصر هر کدام از مولفه‌ها پرداخته می‌شود و نمونه‌هایی از عبارات مصاحبه‌شونده‌ها در مورد هر کدام ذکر می‌گردد.

مولفه‌ی فردی

مصاحبه‌شوندگان مهمترین علل طلاق که می‌بایست قبل از ازدواج بررسی گردد را ویژگی‌های فردی و شخصیتی زوجین ابراز می‌کردند، که برخی از این ویژگی‌ها باعث دوام و غنی شدن ازدواج و برخی باعث از هم‌پاشیدگی زندگی خواهد شد. ویژگی‌های فردی که باعث جذب زوجین به یکدیگر و انسجام زندگی می‌شود عبارتند از: مهربان و خوش صحبت بودن شخص، داشتن مهارت حل مساله، مهارت تصمیم‌گیری، مهارت نه گفتن و خودآگاهی همچنین داشتن مهارت شناخت دیگران، استقلال و تمایز از خانواده‌ی اولیه، داشتن ویژگی‌هایی از قبیل متانت، صداقت، تعهد و مسئولیت‌پذیری، همچنین داشتن تفکر مثبت و نداشتن منیت و تمایل به ما شدن، آمادگی جسمانی، ظاهر مناسب و زیبایی متعارف، دارا بودن هوش هیجانی و رشد و کامل شدن یا بلوغ فکری از دیگر ویژگی‌های موثر است. منعطف بودن، قناعت داشتن، فداکاری، گذشت، اجتماعی بودن، پذیرفتن مشکلات زندگی، هدفمندی، صبور بودن و تاب‌آوری نیز ویژگی‌های فردی موثری در انسجام زندگی است.

ویژگی‌های فردی که باعث طرد زوجین از یکدیگر و عدم انسجام زندگی می‌شود: ازدواج به خاطر فرار از تنهایی، هوی و هوس، تصمیم احساسی، عشق نابخردانه و سن پایین، عدم پختگی، انتخاب نادرست و ایده‌آل‌گرایی از دلایل طلاق می‌باشد. ویژگی‌های فردی از جمله زود عصبانی شدن، اختلال شخصیت، عدم آگاهی نسبت به نیازهای خود و دیگری، بد اخلاقی، تحقیر و تهدید کردن و عیبجویی، بدبینی، عدم اعتماد نیز از ویژگی‌های مهم طرد زوجین است. بحث و جدل کردن، مغرور بودن، عدم تناسب تیپ شخصیتی زوجین، داشتن دل‌بستگی نایمن، دروغ، لجبازی، انتظار غیرمنطقی، افکار نا کارآمد، دهن بینی، خبرچینی، سرزنش کردن، سلطه‌پذیری یا سلطه‌گری، عدم ثبات هیجانی، رفیق‌باز بودن، طردشدگی، خسیس بودن، گذشته‌نگر بودن، تجربه‌ی کم، پایین بودن عزت نفس، ذهن‌خوانی و قضاوت عجولانه کردن را نیز می‌توان در نظر گرفت.

به عنوان مثال زوج‌های اول از گروه در شرف ازدواج می‌گویند:

"برای داشتن یک ازدواج موفق و داشتن آرامش و آسایش هر دو نفر باید تلاش کنند. دلیل اصلی من برای انتخاب مستقل بودن وی بود، همچنین پذیرفتن مسؤلیت، رسیدن به بلوغ فکری و پذیرفتن مشکلات زندگی از دیگر ویژگی‌های اوست که من را جذب نموده است". وی در ادامه بیان می‌کند: "از عوامل مهم طلاق، رفیق باز بودن، صبور نبودن، مسؤلیت پذیر نبودن و کم تجربه بودن افراد است."

همچنین زوجه‌ی اول گروه متقاضی طلاق می‌گوید:

"اساس یک ازدواج موفق، داشتن خانواده‌ای است، که همه در آن خوشحال باشند. رشد فکری، مدیریت مشکلات و اعتماد به یکدیگر از عوامل مهم زندگی با ثبات است. اما من آمادگی برای ازدواج نداشتم، دانشجو بودم و از نظر مالی حمایت نمی‌شدم، مادرم سال قبل فوت کرده بود، افسرگی داشتم، شغل نداشتم، محل اسکان مشخصی نداشتم چون پدر و برادرم زورگویی می‌کردند، دوست شدیم، می‌خواستیم از خانواده راحت بشم، برای فرار از آنها و فشار همسرم برای ازدواج اقدام کردم ولی به نظر من زود بود."

مولفه‌ی روابط بین زوجی (تعاملی)

روابط بین فردی زوجین به عنوان یک عنصر کلیدی در رضایتمندی زوجین است و از طرفی رضایت زناشویی نیز تعامل مثبت را در پیش دارد، با تحقیقات صورت گرفته بر روی نمونه‌های بسیاری، همبستگی بین رضایت از رابطه و مثبت بودن یا منفی بودن آن و اثربخشی روابط در رضایتمندی توسط همسران، مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد، سطح بالاتری از رضایت زناشویی با ارتباط بهتر رابطه‌ی معنی دار دارد (Lavner, Karney, & Bradbury, 2016).

مصاحبه شوندگان دومین علل طلاق را روابط بین زوجین ابراز می‌کردند. ویژگی‌های بین فردی که باعث طرد زوجین از یکدیگر و عدم انسجام زندگی می‌شود از نظر آنان عبارت‌است از: بحث و جدل و متهم کردن یکدیگر، سرزنش و تحقیر کردن یکدیگر و علاقه به تغییر دیگری و نداشتن ویژگی‌هایی از جمله: درک یکدیگر و تعلق خاطر، علائق مشترک، شناخت نسبت به یکدیگر، توافق در فرزند آوری، تلاش برای ساختن زندگی بدون دغدغه و آرامش، آشنایی قبل از ازدواج، ابراز محبت، پیوند جویی، همدلی و در کنار هم بودن، مشورت کردن، رازداری، وفاداری، صداقت، دوست داشتن و حمایت یکدیگر، ابراز احساس و هیجان، علاقه و احترام متقابل، محبت، برنامه ریزی مشترک، مدیریت صحیح خانواده، تفاهم، صمیمیت، ایفای نقشها، تفریحات سالم مشترک، حمایت‌گری، وقت گذاشتن و توجه به همسر از مواردی است که می‌تواند باعث عدم انسجام زندگی شده و احتمال طلاق را تشدید می‌کند.

زوج نهم از گروه متقاضی طلاق می‌گوید:

"یک ازدواج موفق در داشتن آگاهی بالای هر دو طرف، خوش رفتار بودن با همسر، تحقیقات قبل از ازدواج و شناخت همسر است. علت طلاق ما عدم اعتماد به همسر، نداشتن آگاهی نسبت به نیازهای همدیگر و عدم

برآورده کردن نیازهای طرف مقابل، همچنین نداشتن درک همدیگر و خودخواهی و زیاده‌خواهی همسر و تحقیر کردن من از دیگر دلایل طلاق ماست."

متخصص سوم نیز مولفه‌های بین فردی را اینگونه توضیح می‌دهد:

"هدف ازدواج، مجموعه‌ای از نیازهاست که ازدواج کمک می‌کند، این نیازها راحت تر برآورده شود، مانند مورد توجه قرار گرفتن، با کسی بودن، ارتقا و رشد فکری، ارضا نیازهای جنسی، روانی و اجتماعی. در یک ازدواج موفق زوجین باید مناسب یکدیگر باشند، تفاوت انتظارات، تفاوت در تعریف درست و نادرست منجر به شکست می‌شود، مثلث عشق که تعهد، صمیمیت و شور است در خانواده شکل می‌گیرد، اگر تعهد باشد صمیمیت هم هست، تعهد یعنی همدلی، نگران سلامتی طرف مقابل بودن، گذشت، فداکاری و اینکه فرد می‌تواند بجز خودش به دیگری هم فکر کند."

مولفه‌ی پیشینه‌ی خانوادگی

برقراری روابط موثر بین اعضای خانواده اصلی بخصوص رابطه‌ی بین والدین و فرزندان پیش‌نیاز مهمی، برای سلامت روان و ایجاد رابطه موفق آنها با همسرشان در آینده می‌باشد (Framoo, 1992). (Amato, & Keith, 2011 quoted by Cheraghi, 2014) به استناد نتایج بررسی‌های انجام شده، خانواده اصلی زن و شوهر و کیفیت ارتباط بین و خانواده‌هایشان در در بین همسران ایرانی و استحکام و سازگاری زندگی زناشویی آنان نقش مهمی را ایفا می‌کند بطوری که نقش ارتباط همسران با خانواده یکدیگر آنقدر مهم است که در پژوهش‌های انجام شده در زمینه شناسایی عوامل پیش‌بینی کننده طلاق در ایران، عامل مذکور جزو پنج عامل اول و مهم پیش‌بینی کننده‌ی طلاق معرفی شده است (Cheraghi, 2014).

مصاحبه شوندگان سومین علل طلاق را پیشینه‌ی خانوادگی ابراز می‌کردند و ویژگی‌های پیشینه‌ی خانوادگی که باعث طرد زوجین از یکدیگر و عدم انسجام زندگی می‌شود را اینگونه برمی‌شمردند: فرار از خانواده، دخالت و اجبار خانواده، مشکلات خانواده اولیه، خانواده ناسالم منجمله حسادت اعضای آن و عدم مشورت با یکدیگر، محدودیت خانواده در دوران مجردی، خانواده بی بندوبار، جدایی والدین و تربیت نادرست فرزندان و عدم وجود ویژگی‌هایی از قبیل: تربیت صحیح فرزند، انسجام خانوادگی، احترام و مشورت خانواده‌ها، اصالت و سلامت خانوادگی، گستره‌ی خانواده و رفت‌وآمد خانوادگی، قانونمندی خانواده، دوستی و همبستگی اعضای خانواده، در نظر گرفتن نقشها، رابطه‌ی سالم خانوادگی را از عوامل موثر در طرد زوجین و عدم انسجام زندگی می‌توان ذکر کرد.

زوجه‌ی شماره شش از گروه متقاضی طلاق می‌گوید:

"علت طلاق من دخالت خانواده‌ها و ناهمسانی خانواده‌هایمان بود، ما با هم دوست بودیم، خانواده‌هایمان مخالف بودند، دخالت خانواده‌ها باعث دل‌سردی ما شد، فاصله طبقاتی زیادی داشتیم، ما خانواده پرجمعیت هستیم رفت‌وآمدمان زیاد است، خانواده همسر دخالت می‌کردند، همسر اجتماعی نبود اما من دوست داشتم با خانواده رفت‌وآمد داشته باشم. از وقتی فرزندانمان به دنیا آمد، مشکلات بیشتر شد. رسیدگی به فرزندان را یاد نداشت به همین دلیل همسر هر روز به خانه پدر و مادرش می‌رفت و در نتیجه دخالت خانواده همسر زیادتر شد."

متخصص شماره شش نیز در مورد اهمیت مولفه‌ی پیشینه‌ی خانوادگی در احتمال آسیب طلاق می‌گوید:

"والدین از تربیت دست کشیدند، برخی از والدین فقط کنترل‌گرند، فرزندان نقشهای والدین را از آنها می‌گیرند، از هم گسیختگی فرهنگی بین خانواده اولیه و فرزندان، درک نکردن شرایط موجود توسط خانواده اولیه از عوامل اثرگذار است. زمان زمان سرعت است ازدواجها نیز سریع است و شکاف بین والدین و نوجوانان پر نشده و این شکافها مشکلات زیادی را در ازدواج بوجود می‌آورند، درمقابل برخی از جوانها هنوز از خانواده اولیه تمایز نیافته‌اند و عدم استقلال ایشان و دخالت خانواده‌ها در ازم‌پاشیدگی زندگیشان نقش بسزایی دارد. نقش خانواده بالاخص سازگاری در خانواده اولیه مهم است. حتی تعداد طلاق در خانواده اولیه بر نگرش و اقدام به طلاق زوجین و عدم سازگاری آنها اثرگذار است."

مولفه‌ی جنسی

هدف سلامت جنسی، توانایی متقابل در روابط جنسی می‌باشد. سلامت جنسی زوجین بدین معنی است که هر یک از زوجین به تمایلات جنسی طرف مقابل احترام گذاشته و از هرگونه اجبار و خشونت پرهیز گردد. سلامت جنسی همسران، موقعیتی است که در آن زوجین از یک رابطه سالم، مناسب و بهنجار جنسی بهره‌مند هستند، به گونه‌ای که وضعیت جسمی و روحی و رفتاری آنان، حاکی از یک نوع هماهنگی، انس، محبت و در یک جمله رضایتمندی از زندگی زناشویی باشد. (Bostanie Khalesi, Simbar, & Azin, 2015)

مصاحبه شوندگان چهارمین علل طلاق را مسائل جنسی ابراز می‌کردند و از نظر آنان ویژگیهای جنسی که باعث طرد زوجین به یکدیگر و عدم انسجام زندگی می‌شود عبارت‌است از: سردی روابط، مزاجهای متفاوت، عدم شناخت و ارضا نیاز جنسی همسر، تنوع طلبی و روابط فرازناشویی، روابط قبل ازدواج، عدم صمیمیت جنسی و اختلال جنسی و عدم وجود مواردی از قبیل: برآورده شدن نیاز جنسی، روابط جنسی سالم، بلوغ جنسی زوجین، جذابیت جنسی، آگاهی از نیاز جنسی طرف مقابل، رابطه زناشویی موثر، صمیمیت جنسی به عنوان مثال زوجه‌ی چهاردهم از گروه در شرف ازدواج می‌گوید:

"ازدواجی موفق است که، درک متقابل و اعتماد به همسر، دوست داشتن، تبادل احساسی و عاطفی و جنسی در آن وجود داشته باشد. جنگ نرم، ماهواره، فیلمهای مبتذل، چشم و هم‌چشمی خانمها، سوء تفاهم، بهانه‌های بی‌خودی، عدم ارضای جنسی همسر و خیانت از عوامل مهم طلاق می‌باشند."

زوجه‌ی شماره سیزده از گروه متقاضی طلاق علت طلاق خود را عدم تفاهم با همسرش می‌داند او می‌گوید:

"من دوست داشتم تو مناسبتها کادو بهم بدهد، ولی اون اینکار را نمی‌کرد، از لحاظ عاطفی و کلامی محبت نمی‌کرد و فقط ارضای جنسی برایش مهم بود. من سرد مزاجم از روابط جنسی لذت نمی‌برم، شوهرم گرم مزاجه و این آزارم می‌دهد، الان هم ۵ ماهه با کسی ارتباط تلفنی دارم قرار است جدا شوم با او ازدواج کنم."

مولفه‌ی فرهنگی

مصاحبه شوندگان پنجمین علل طلاق را عوامل فرهنگی می‌دانستند و ویژگیهای فرهنگی زیر را باعث طرد زوجین از یکدیگر و عدم انسجام زندگی عنوان می‌کردند: چشم و هم‌چشمی، رسومات غلط، هم‌کفونبودن و اختلاف فرهنگی، سطح بالای توقعات و مقایسه زندگی خود با دیگران، مردسالاری یا زن‌سالاری و تقابل ازدواج سنتی و مدرن نیز اثرات مهمی در طرد زوجین و عدم انسجام زندگی دارد.

به عنوان مثال زوجه‌ی دوازدهم از گروه در شرف ازدواج می‌گوید:

"انتخاب درست است، زیرا همسری انتخاب کرده‌ام که با هم تناسب فرهنگی داریم، خانواده‌های دو طرف از لحاظ فرهنگی هم کفو هستند، به نظر من یکی از دلایل طلاق اختلاف طبقاتی و فرهنگی است، افراد از خانواده‌هایی با فرهنگ مختلف با کوچکترین مساله بهم می‌ریزند و آن را توهین می‌دانند پس می‌بایست از لحاظ فرهنگی خانواده‌ها هم کفو باشند."

زوجه‌ی شماره شش از گروه متقاضی طلاق علت طلاق خود را ناهمسانی فرهنگی خانواده‌ها می‌داند، او می‌گوید:

"علت طلاق ما تفاوت فرهنگی است، ما از دو فرهنگ مختلف بودیم. خانواده‌ی او در یکی از روستاهای کلات زندگی می‌کردند و ما در مشهد زندگی می‌کردیم، از لحاظ فرهنگی هم شبیه هم نبودیم. شوهرم در خانواده‌ای بزرگ شده بود که پرخاشگری و فحاشی در آن طبیعی بود."

مولفه‌ی اجتماعی

از نظر (Kelin and Whait, 1996) هنجارهای اجتماعی تعیین کننده‌ی مراحل زندگی فرد و ترتیب و زمان وقایع زندگی وی می‌باشد و عدم پیروی افراد از هنجارهای اجتماعی می‌تواند در انحلال زندگی خانوادگی فرد نقش موثری داشته باشد (Kalantari & roshanfekr, 2015).

مصاحبه شوندگان ششمین علل طلاق را عوامل اجتماعی ابراز می‌کردند و معتقد بودند ویژگیهای اجتماعی ذیل باعث طرد زوجین به یکدیگر و عدم انسجام زندگی می‌شود: داشتن سن پایین، کم‌رنگ شدن ارزشها و تغییر ارزشها، اختلاط زن و مرد، استفاده نامناسب از فضای مجازی و ماهواره و اینترنت، کنترل دیگران، دخالت دوستان و دیگران، بیکاری، فقر، رسوم غلط، عادی شدن طلاق و اعتیاد همسر و نبود ویژگیهایی از جمله: مشاوره گرفتن از متخصص و آموزش پیش‌از ازدواج، سروسامان گرفتن، زمان مناسب در تشکیل خانواده، تفاوت سنی کم بین والد و فرزند، علاقمندی به فرزندآوری، بالا بردن کیفیت زندگی و امنیت، پیشرفت اجتماعی، داشتن پایگاه اجتماعی و ثبات شغلی از دیگر علل طرد زوجین و عدم انسجام زندگی می‌باشد

زوجه سیزدهم از گروه متقاضی طلاق علت تقاضای خود را رسومات غلط اجتماعی می‌داند، وی

می‌گوید:

"خانواده ما اعتقاد داشتن آگه سن دختر بیشتر از بیست بشه تو خونه می‌مونه، با اجبار والدینم ازدواج کردم، سنش ۹ ماه از من کمتر بود، بچه بود، سربازی نرفته بود، از لحاظ فرهنگی و اجتماعی به هم نمی‌خوردیم، آنها از همان ابتدا دروغ گفتند، باباش معتاد بود گفتند مرده، یکی دو بار دوران عقد قهر کردم خانواده‌ام می‌گفتند، برگرد باهش زندگی کن طلاق بگیر آبرومون می‌ره، من خیلی برای زندگیم جنگیدم اما حامی نداشتم."

متخصص شماره هفت نیز در مورد اهمیت مولفه‌ی اجتماعی در احتمال آسیب طلاق می‌گوید:

"برای کاهش طلاق می‌بایست بررسی کرد زوجین چرا می‌خواهند ازدواج کنند؟ چرایی ازدواج، آمادگی ازدواج را مشخص می‌کند. برخی از مسائل اجتماعی منجر به تاخیر در ازدواج می‌گردد. مثلا در شهرهای بزرگ سن ازدواج بخاطر مسائلی مثل شغل و ادامه تحصیل بالا رفته است. یا بالعکس افرادی که تحصیلات پایین‌تری دارند زودتر ازدواج می‌کنند. دخترانی که در خانواده طلاق یا اعتیاد هستند، دختر برای فرار از خانواده و خانه تن به ازدواج می‌دهد. برخی ازدواجها بخاطر موقعیت اجتماعی طرف مقابل یا خانواده او می‌باشد."

مولفه‌ی اقتصادی

به نظر (Conger, 1990 & 1992) دوران سخت اقتصادی در جامعه نتایج زیان‌باری بر خانواده‌ها خواهد داشت که می‌توان به احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی‌سامانی آن اشاره کرد. محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش و آنها را به سوی طلاق سوق می‌دهد. در دوران رکود اقتصادی تنش درون خانواده‌ها بالاخص خانواده‌های اقشار ضعیف جامعه افزایش یافته و این زمانی بیشتر مشهود است که زنان و مردان به خصوص مردان به دلیل بیکاری یا دستمزد ناکافی توانایی حمایت از خانواده‌هایشان را ندارند، (Kalantari & roshanfekr, 2015).

مصاحبه شوندگان هفتمین علل طلاق را عوامل اقتصادی ابراز می‌کردند و ویژگیهای اقتصادی که باعث طرد زوجین از یکدیگر و عدم انسجام زندگی می‌شود را اینگونه توصیف می‌کردند: بی‌پولی، عدم توان اقتصادی و حمایت مالی، فقر و بیکاری، فاصله طبقاتی و عدم ثبات شغلی، ورشکستگی، عدم استقلال مالی و نبود ویژگیهای از قبیل: پس انداز مالی، مدیریت مالی، داشتن عقل معاش، داشتن رفاه متعارف و دادن اهمیت به تفریح و در عین حال مقتصد بودن تاثیر بسزایی در طرد زوجین از یکدیگر و عدم انسجام زناشویی دارد.

زوج سوم از گروه در شرف ازدواج می‌گوید:

"من از لحاظ اقتصادی به وضعیتی رسیدم که می‌توانم ازدواج کنم. اما دو نفری باید پشت هم را داشته باشیم تا پیشرفت کنیم. هر دو نفر باید شعور اجتماعی و اقتصادی داشته باشیم و هم کفو بودن از لحاظ پایگاه اقتصادی اجتماعی مهم است، از عوامل طلاق می‌توان مقایسه زندگی دیگران با زندگی خود، عدم قناعت، عدم تفاهم در تمام زمینه‌های اقتصادی و عدم تصمیم‌گیریهای مشترک بالاخص در مسائل مالی و خودخواهی را ذکر کرد."

زوج چهاردهم از گروه متقاضیان طلاق می‌گوید:

"درک و فهم من از سنم بیشتر بود، زود وارد بازار کار شدم، فکر می‌کردم آماده ازدواج هستم، با هم دوست بودیم، عاشق هم شده بودیم، فاصله طبقاتی زیادی داشتیم اما همسرم اصرار زیادی به ازدواج داشت، از سیزده سالگی شروع به کار کردم، ابتدا آرایشگر بودم اما بزرگترین اشتباه من تغییر شغل بود، وارد شدن به ساخت و ساز، من بی تجربه بودم و ورشکست شدم، همسرم خودش را در نداری من نشان داد."

مولفه‌ی اعتقادی

مصاحبه شوندگان هشتمین علل طلاق را عوامل اعتقادی ابراز می‌کردند و ویژگیهای اعتقادی که باعث طرد زوجین به یکدیگر و عدم انسجام زندگی می‌شود را بدین صورت برمی‌شمردند: نداشتن اعتقادات مذهبی و پایند نبودن به ارزشهای اخلاقی، ایمان نداشتن، عدم تناسب وضعیت اعتقادی، عدم نجابت، معتقد نبودن به حجب و حیا، عدم پایبندی به رزق و روزی حلال می‌تواند در عدم انسجام زندگی تاثیر بسزایی داشته باشد.

زوج چهارم از گروه متقاضی طلاق می‌گوید:

"من به مسائل دینی و خدا اعتقاد دارم و فقط به دنبال این بودم که خانواده را تأمین کنم. اما همسرم عوض شده است، اوایل خوب بودند، همسرم بی‌حجاب شده من تذکر می‌دهم گوش نمی‌دهد. همسرم را دوست دارم و می‌خواهم همسرم همراه و همدل من شود، من به خاطر صلاح خانمم بعضی مسائل را می‌گفتم ایشان فکر می‌کرد من بدبین و بددل شده‌ام. به نظر من از ویژگیهای خانواده موفق، صداقت، ایمان، یکدلی است و مهمترین عامل طلاق را بی‌حجابی و تغییر ارزشها می‌دانم."

متخصص شماره ده می گوید:

"ازدواجی موفق است که برای رسیدن به آن به یک تعامل سازنده با فرد دیگری برسیم، در این مسیر اهداف مشترک و فردی وجود دارد، رعایت تعهدات، ارزش گذاشتن به اعتقادات یکدیگر، تعهد بر اساس نظام باورها و کنترل درونی مهم است و عدم وجود این موارد از عوامل طلاق می باشد."

نتیجه

ازدواج مهم ترین پیوندی است که بین دو فرد رخ می دهد. این پیوند، سرآغاز شکل گیری یک کانون حمایتی و عاطفی در زندگی انسان ها است و بر نوع زندگی نسل بعد و همچنین بقای زندگی آیندگان موثر است (Myers, Madathil, & Tingle, 2005). پدیده ازدواج، در هر جامعه از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار بوده و تابع قوانین خاص آن جامعه می باشد در کشور ما، ازدواج به عنوان بنیان خانواده، عبارت است از یک رابطه قانونی، عرفی و یا دینی که یک مرد را با یک زن به طور دائم یا موقت پیوند می دهد. و هر چه بنیان خانواده از استحکام بیشتری برخوردار باشد، جامعه ای سالم تر و امن تری پیش روی همگان وجود خواهد داشت (Sahebdel, Zaharakar, & Delaware 2015).

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مولفه های احتمال آسیب طلاق در متقاضیان ازدواج صورت گرفت. با اجرای مصاحبه و سپس تحلیل داده ها به هشت مقوله اصلی به عنوان مولفه های احتمال آسیب طلاق با عناوین: مولفه های فردی، مولفه های روابط زوجی، مولفه های پیشینه ی خانوادگی، مولفه های فرهنگی، مولفه های اجتماعی، مولفه های اقتصادی و مولفه های اعتقادی منجر شد.

در مولفه ی فردی می توان به داشتن ویژگیهای خلقی منفی از قبیل حسادت، خشم، توهین و تحقیر و عدم برخورداری از ویژگیهای خلقی مثبت مانند مهربانی، رافت، صداقت، مسئولیت پذیری، مسائل روانی، بلوغ فکری، مدیریت مالی، گذشت، تاب آوری، تصمیم منطقی و نه احساسی، حل مساله، خودآگاهی، تمایز یافتگی، صداقت، تعهد، انعطاف پذیری و داشتن استقلال در احتمال آسیب طلاق اشاره کرد. همچنان که (Busby et al, 2001, quoted by Larson, & Mac Alister, 2014) در مطالعه ای زمینه ی فردی را شامل ویژگی های فردی ذاتی (به عنوان مثال سن، جنسیت)، ویژگی های شخصیتی و سلامت احساسی (مثلا مهربانی، روان رنجوری) و باورها و نگرشها (مثلا باورهای مربوط به ازدواج و خانواده، نگرش به زندگی، نقش های جنسیتی) می دانند. این ویژگی ها می توانند دارایی یا بدهی را به یک رابطه ارائه دهند. برای مثال، اگر چه دارایی های مانند انعطاف پذیری و مهربانی، رضایت زناشویی را پیش بینی می کند، افسردگی و اضطراب، مشکلات زناشویی را پیش بینی خواهد کرد. مطالعات مقطعی نشان داده اند که زوج

های مضطرب رفتارهای ارتباطی منفی بیشتر و رفتارهای ارتباطی مثبت کمتری از خود نشان می‌دهند و نسبت به زوجهای رضایتمند توان کمتری در حل تعارض دارند (Bradbury, & Karney, 2013, quoted by Lavner et al. 2016).

Amato, Loomis, & Boos, 2005) نیز می‌گویند: بزرگسالانی که در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که دارای دو والد مضطرب بوده‌اند و یا یکی از والدین طلاق گرفته‌اند، گزارش می‌شود که در سطح پایین‌تر روانشناختی و رضایت زناشویی نسبت به دیگر بزرگسالان قرار دارند. یکی از دلایل ناموفق بودن بسیاری از ازدواج‌ها عدم شناخت درست از یکدیگر است. ازدواج‌هایی که از روی احساسات جوانی یا عشق‌های نابخردانه و لحظه‌ای به وجود می‌آید، نتیجه‌ی خوبی در پی نخواهد داشت (Rahimi, 2009).

در مولفه‌ی روابط بین زوجی پژوهش حاضر به متغیرهای درک متقابل، آسایش و آرامش، محبت کردن، همدم و همدل بودن، مشورت کردن با همسر، اعتماد داشتن به یکدیگر، عشق ورزیدن، داشتن برنامه‌ریزی مشترک، برخورداری از مهارت‌های ارتباطی، وفاداری، احساسات و عواطف مثبت، گذراندن اوقات فراغت با همسر، ابراز صمیمیت و حمایت و پشتیبانی از همسر دست یافت. تحقیقات نشان می‌دهد ارتباطات نقش مهمی در مدل‌های رابطه‌ی زوجین ایفا می‌کند و صمیمیت زوجین ناشی از روابط بین فردی ایشان است (Reis, & Patrick, 1996, quoted by Lavner et al. 2016). شواهدی مبنی بر اهمیت حیاتی ارتباطات در مطالعات مقطعی و مطالعات طولی وجود دارد که در آن ارتباطات به عنوان پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی یاد می‌شود (Woodin, 1996, quoted by Lavner et al. 2016).

Rabinson, & Belanton, 1993 quoted by Rosen-Grandon et al. 2004) ازدواج شاد را در گرو تعهد، ارتباطات بین زوجی، انطباق و جهت‌گیری مذهبی می‌دانند. زن و مردی که عقد ازدواج بسته‌اند باید به تعهدات خود در طول عمر زناشویی پایبند بوده و همواره در نظر داشته‌باشند که عدول از تعهدات زناشویی از عواملی است که ریشه‌های این پیوند مقدس را سست می‌کند (Hoseinie Birjandi, 2016).

سطح پایین ارتباط مثبت و سطح بالایی از روابط منفی پیش‌بینی کننده‌ی مهمی در کاهش شدید رضایتمندی زناشویی است (Janson & al, 2005, quoted by Lavner et al. 2016).

یک تحقیقات ده ساله روی رضایتمندی زناشویی انجام شد، زوجینی که رفتارهای منفی در ابتدای رابطه‌ی خود نشان می‌دادند، بیشترین نارضایتی را در دو سال اول ازدواج ابراز داشتند (Glaser, Bane, Kiecolt, Glaser, 2003, quoted by Lavner et al. 2016).

(Storasli and Markman, 1990, Badiuport and Ladoosor, 1995, Whisman, Dixon and Johnson, 1997, Miller, Yorgason, Sandberg and White, 2003) در تحقیقاتشان مشکل ارتباطی زوجین متقاضی طلاق از جمله بکار بردن کلمات نامناسب در ارتباط، مشاجرات لفظی، در نظر نگرفتن

خواسته‌های طرف مقابل، نبود همدلی، زمان نامناسب جهت ارتباط، گوش ندادن به طرف مقابل و نبود تفاهم در امور زندگی را در طلاق مؤثر دانسته‌اند (Kalantari & Roshanfekar & Javaheri, 2015). در پژوهشی که (Gigy & Kelly, 1992) در کالیفرنیا انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که فاصله‌ی بین زوجین، انزوا و ازبین رفتن دوستی و نداشتن روابطی زوجی شایعترین دلیل برای طلاق دادن است (Gottman & Levenson, 2002).

سومین مولفه‌ای که مورد شناسایی قرار گرفت، **مولفه‌ی خانوادگی** بود. در این مولفه، زیرمقوله‌های عدم دخالت اطرافیان، اصالت خانوادگی، وجود مرزهای مشخص، روابط خانوادگی منسجم، عدم اجبار خانواده و در نظر گرفتن نقشها را ارائه می‌دهد. که وجود این زیر مقوله‌ها باعث استحکام خانواده و عدم آن باعث بالا رفتن احتمال آسیب زندگی زناشویی و در نهایت طلاق خواهد شد. در شاخص ویژگیهای خانوادگی مشخص بودن مرزها و نقشهای افراد از اهمیت بسزایی برخوردار است. مرزهای یک زیرمنظومه عبارت از مقرراتی است که معین می‌کنند که چه کسی و چگونه جزو این زیرمنظومه باشد. عملکرد یا نقش، مرز حراست از عمل متمایزسازی سیستم است. هر زیرمنظومه‌ی خانواده دارای عملکرد یا نقشهای بخصوصی است و از اعضای خود انتظارات بخصوصی دارد. وضوح مرزهای درون خانواده یک پارامتر مفید برای ارزیابی عملکرد خانواده است. بعضی خانواده‌ها به دنبال توجه و رسیدگی بیش از حد به دیگر اعضای خانواده هستند و این توجه و ارتباط باعث کم شدن فاصله‌ی مرزها و حتی گاهی مخدوش شدن مرزها می‌گردد و تمایز بین اعضای خانواده نامشخص می‌شود. در این جا افراد نمی‌توانند در مقابل تغییر و شرایط استرس‌زا خود را تطابق دهند و همیشه بدنبال حامی می‌باشند در مقابل مرزهای داخلی بعضی خانواده‌ها هم بیش از حد خشک و نامتعطف است، طوری که ارتباط بین زیرمجموعه‌ها دشوار می‌گردد و نقش حمایتی خانواده فلج می‌شود. عملکرد مرزی در این دو نهایت را بهم تنیدگی و گسستگی می‌خوانند تمام خانواده‌ها در یک نقطه از امتدادی قرار می‌گیرند که دونهایت آن مرزهای نامشخص و مرزهای بسیار خشک است. اکثر خانواده‌ها در دامنه‌ی وسیع بهنجار قرار دارند (Sanaeie Zaker, 2008).

مولفه‌ی بعدی **مولفه‌ی جنسی** می‌باشد که زیر مقوله‌های ارضای نیاز جنسی خود و همسر، همگنی مزاجها، عدم وجود مسائل فرازناشویی و داشتن صمیمیت جنسی و رابطه‌ی جنسی با کیفیت از ملاکهای یک خانواده موفق و منسجم و وجود هر یک از این موارد باعث از هم گسیختگی خواهد شد. تفاوت در هدف از رابطه‌ی جنسی می‌تواند یکی از علل ناسازگاری و حتی طلاق باشد. در نظر پسرها رابطه جنسی یا ابزاری برای لذت بدون تعهد هیجانی است یا ابزاری برای نزدیک‌تر شدن به جنس مؤنث. به نظر

بسیاری از مردها و نوجوان‌های مذکر، در ارتباط جنس نیازی به درگیری هیجانی نیست چون برای آنها هدف از رابطه جنسی، نزدیکی است اما زن‌ها برای برقراری رابطه جنسی با شوهرشان باید از لحاظ جسمانی و هیجانی احساس نزدیکی کنند. برای اکثر زن‌ها، رابطه جنسی نشانه‌ی صمیمیت است نه مولد صمیمیت. یک زن وقتی از لحاظ جنسی نزدیک می‌شود که در سایر جنبه‌های زندگی با او مهربان بود و به او توجه کرد و احترام گذاشت (Gutman translation of Firozbakht, 1998).

(Gutman, 1994, quoted by Kim, & al, 2016) بیان می‌کنند: در صورتی که تعاملات زناشویی با هیجانات منفی از قبیل تحقیر و انزجار همراه شود به بی‌ثباتی ازدواج منجر می‌گردد و (Gilford, 2013) بیان می‌کند: اگر یکی از همسران توجه و مهربانی را از همسرش به دلیل کنترل رابطه دریغ کند کناره‌گیری عاطفی بوجود می‌آید. رفتارهایی که نشان‌دهنده‌ی کناره‌گیری عاطفی هستند عبارتند از: نادیده گرفتن همسر و عدم توجه به او، برقرار نکردن رابطه جنسی، تهدید به ترک کردن رابطه و استفاده از رابطه‌ی خاموش (Khazaei, Navabi Nejad, Farzad & Zaharakar, 2016).

در امریکا در مورد وجود رابطه بین تجارب جنسی قبل از ازدواج در دوران نوجوانی با انحلال زناشویی در بزرگسالی تحقیقاتی صورت پذیرفته است (Heaton, 2002; Kahn & London, 1992; Laumann & al, 1994; Teachman, 2003) به این نتیجه رسیدند که روابط جنسی دوران نوجوانی با انحلال ازدواج در بزرگسالی رابطه‌ی معناداری دارد، بالاخص داشتن رابطه با چند شریک جنسی (Paik, 2011).

مولفه‌ی فرهنگی نیز از علل احتمال آسیب طلاق به شمار می‌رود در این پژوهش زیر مقوله‌های رسومات متفاوت خانواده‌ها، هدف تکاملی ازدواج، داشتن تناسب فرهنگی، مقایسه نکردن زندگی خود با دیگران و رابطه یا عدم رابطه با فرد مقابل قبل از ازدواج به عنوان شاخصهای فرهنگی شناخته شدند. در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط جدید هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه‌ی تصادم نوگرایی و پابندی به سنت‌های دیرین و تشدید جنگ بین نسل‌هاست. در این مرحله حساس، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر چیز دیگر تغییر وضع می‌دهند. بسیاری از موضوعات بی‌ارزش دیروز در محدوده‌ی عناصر نوین و مقبول امروزی پای می‌نهند و بسیاری از عناصر مطلوب اجتماعی از قلمرو ارزش‌های اجتماعی خارج می‌شوند. (Kalantari, & Roshanfekar, 2015).

از نظر (Darini, & Navabi Nezhad, 2012) میزان خوشبینی به وسایل ارتباط جمعی و فرهنگی، افراد را واقعیت‌های زندگی دور کرده‌است. مردم آنچنان تحت تاثیر فرهنگ قرار گرفته‌اند که فکر می‌کنند هرچه انجام می‌دهند درست بوده و تلاش می‌کنند از تجارب ناخوشایند زندگی اجتناب کرده و قدرت

مبارزه با مشکلات را نداشته و حتی انتقاد پذیر نیستند. آنان تصور می‌کنند موقعیتهای مادی رضایتمندی زندگی زناشویی را بهمراه دارد. رسانه‌ها با نشان دادن غیر واقعیات موجب می‌شوند افراد منکر واقعیت‌های موجود شوند. چون تحت سلطه‌ی تصاویر کمال‌گرایی قرار گرفته‌اند. در نتیجه بیشتر به سمت مصرف‌گرایی گرایش پیدا می‌کنند. در تلویزیون شخصیت‌هایی به نمایش گذاشته می‌شوند که نشانی از زندگی واقعی ندارند و استانداردهای نادرستی را به معرض نمایش می‌گذارند و متأسفانه نوجوانان و جوانان به تماشای این شخصیت‌ها می‌پردازند و از آنان الگوبرداری می‌کنند.

مولفه دیگری به نام مولفه‌ی اقتصادی از شاخصهای تاثیرگذار بر سلامت یا از هم‌پاشیدگی خانواده می‌باشد که مسائلی مانند شغل و ثبات آن، وضعیت اقتصادی زوجین، توانمندی در مدیریت مالی و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت مواردی است که می‌بایست در آغاز ازدواج حل و فصل گردد.

مولفه‌ی اعتقادی نیز تاثیر بسزایی در انسجام یا از هم‌پاشیدگی ازدواج دارد. زیر مقوله‌هایی مانند: داشتن حجب و حیا، اعتقاد به خدا پرستی، پایبند بودن به معنویت جزو مواردی بود که در این پژوهش بدست آمد. (Jockin, McGue and Lykken, 1996) بیان می‌کنند: شواهد بسیاری وجود دارد مبنی بر اینکه، عدم موافقت و حمایت کم افراد به ارزشهای سنتی با ریسک طلاق در مردان و زنان همبستگی دارد (Johnson & Harris, 1980; Kelley & Conley, 1987; Rockwell, Elder, & Ross, 1979). مذهب و شیوه‌های مذهبی نیز ممکن است به ازدواج شاد کمک کنند (Fatima and Ajmal, 2012).

یک مطالعه در مورد ازدواج‌های افراد با اعتقادات مذهبی مختلف نشان داده که زوج‌های موفق بر تمایزات معنوی و مذهبی خود چندان پافشاری نمی‌کنند و بر عکس به شباهت‌های اعتقادات خود تکیه دارند. تحقیقات نشان داده که فواید داشتن ایمان و حمایت‌های مذهبی در سعادت افراد مؤثر است. زوج‌هایی که مذهب را با زندگی زناشویی خود پیوند می‌زنند از اختلافات زناشویی کمتری رنج می‌برند، باهم توافق کلامی بیشتری دارند، سازگاری زناشویی بیشتری دارند و فواید بیشتری از زندگی زناشویی بدست می‌آورند. سازگاری باورهای مذهبی زوج‌ها با قدرتمندتر بودن آنها در سایر زمینه‌های زناشویی در ارتباط است. زوج‌هایی که سازگاری معنوی بالایی دارند در بسیاری از زمینه‌های مهم رابطه‌شان از رضایتمندی بیشتری برخوردارند. حتی آنها در حل و فصل اختلافات و مدیریت مسائل مالی نیز موفق‌تر عمل می‌کنند و از رابطه جنسی، صمیمیت و انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردارند (Darini and Navabi Nezhad, 2012).

پژوهشگران خارجی و داخلی بسیاری در مورد عوامل مؤثر بر فروپاشی زندگی زوجین و مخصوصاً طلاق سالها به بررسی پرداخته‌اند: (Henry & Woodward 1974 ; Adam, Bouckoms & Streiner, 1982; Booth & Edwards, 1990; Gottman & Notarius, 2002; Gottman & Levenson, 2003; Amato, Loomis & Booth 2005; Long & Young, 2007; Olson, Larson & Olson, 2006;

Gonzales, 2009; Ingram, 2010; Paik, 2011; Manzar Hakim & Zahedi, 2010; Kalantari, roshanfekr & Javaheri, 2011 ; Khodadadi, Nazari & Ahmadi, 2015; Lavner et al.2016) و بسیاری دیگر از پژوهشگران در مورد علل طلاق به بحث و بررسی پرداخته‌اند، اما آنچه که این پژوهش را از آنها متمایز می‌سازد، بررسی تک تک مولفه‌های احتمال آسیب طلاق بر اساس فرهنگ این جامعه است که با درجه‌ی اهمیت آن برنامه‌ریزان و سیاستگذاران بر اساس آن برنامه‌ریزی مدون و درستی نموده و آموزشگران پیش از ازدواج و آموزش زندگی خانواده نیز بر اساس آن آموزش دهند. همانطور که از جدول پیوست مشهود است، با توجه به مصاحبه‌های انجام شده و کدهای استخراج شده ۴۰ درصد علل طلاق، علل فردی است، که بر ویژگیهای شخصیتی و خصائص و سبک زندگی فرد، باورها و طرحواره‌های فردی استوار است. پس آموزشهای موثر بر انسجام زندگی می‌بایست از ابتدای تولد و حتی از دوران قبل از انعقاد نطفه و حتی قبل از ازدواج والدین، در ابتدا برای والدین و سپس برای کودک صورت پذیرد تا وی برای زندگی زناشویی آینده ساخته شود. ۲۳ درصد علل طلاق مولفه‌ی روابط زوجی بدست آمد که با داشتن مهارتهای زندگی و ارتباط موثر و بسیاری از ویژگیهایی که فرد از منیت قدم به ما شدن گذارد، می‌توان بر این عوامل فائق آمد. مولفه‌های بعدی به ترتیب مولفه‌ی پیشینه‌ی خانوادگی با ۹ درصد، مولفه‌ی جنسی با ۸ درصد، مولفه‌ی فرهنگی با ۷ درصد، مولفه‌ی اجتماعی با ۶ درصد، مولفه‌ی اقتصادی با ۴ درصد و مولفه‌ی اعتقادی با ۳ درصد جزو عوامل اصلی موثر بر طلاق شناخته شدند.

پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بوده است که لازم است به آن اشاره گردد. در پژوهش حاضر به دلیل مشکلات اجرایی فاقد اطلاعات مربوط به پیگیری است و لازم است با همکاری مشارکت کنندگان پژوهش و سازمان‌های بهداشتی بتوان بعد از بررسی مولفه‌های آسیب طلاق، سلامت زندگی زناشویی افراد نمونه پیگیری شود. اگر چه هدف پژوهش کیفی شناخت پدیده‌های مورد مطالعه است و تعمیم یافته‌ها جزو اهداف پژوهش کیفی نیست، اما با وجود این لازم است با توجه به تنوع فرهنگی مردم ایران این پژوهش در فرهنگهای دیگر نیز انجام گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد، با توجه به شناسایی مولفه‌های احتمال آسیب طلاق، درمانگران و مشاوران در مراکز آموزشی و مشاوره بر روی این مسائل تاکید کنند و همچنین در دوره‌های آموزشی مشاوره قبل از ازدواج با نگاه چند بعدی جهت انتخاب همسر مناسب می‌توانند از عوامل و مقوله‌های بدست آمده از پژوهش حاضر استفاده نمایند. این پژوهش با نقشی که در شکل‌گیری و تداوم زندگی زناشویی منسجم دارد، می‌تواند بستری مهم برای تهیه‌ی بسته‌های آموزشی و درمانی برای آموزشهای قبل و حین ازدواج باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود، نتایج پژوهش حاضر در یک نمونه گسترده به صورت کمی مورد آزمون قرار گرفته تا قابلیت تعمیم آن به

جامعه ایرانی فراهم گردد. لازم به ذکر است، که تفکیک ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی با توجه به تجربه‌ی زیسته‌ی افراد می‌تواند در تفاوت اهمیت مولفه‌ها موثر باشد.

References

- Afrouz, G. (2009). *Psychological foundations of marriage in the context of Islamic culture and values*. Tehran University Publishing House. (In Persian).
- Boden, J., Fischer, J. L., & Niehuis, S. (2009). Predicting Marital Adjustment from Young Adults, Initial Levels, and Changes in Emotional Intimacy over Time: A 25-Year Longitudinal Study. *Journal of Adult Dev*, 17 (August 2009) 121–134.
- Bostani Khalesi Z., Simbar, M., & Azin, S. A. (2015). An explanation of sexual health education requirements of couples prior to marriage: A qualitative study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 4(3), 290-303. (In Persian).
- Cheraghi, M. (2014). *Relationship style with the spouse's family in Iranian couples and designing and examining the effectiveness of culture-based interventions based on marital adjustment and communication quality with the spouse's family*. The thesis of Ph.D. in clinical psychology, Shahid Beheshti University of Tehran. (In Persian).
- Esmaili, M., & Dehdast, K. (2015). Presentation of a conceptual design of the relationship between marriage contractions (pre-marriage) with marital satisfaction (after marriage). *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 4(3), 405-445. (In Persian).
- Fatima, M., & Ajmal, M. A. (2012). Happy Marriage: A Qualitative study, Government College University of Lahore Pakistan, *Journal of Social and Clinical Psychology*, 10(1), 37-42.
- Gottman, J. (1998). *Why a successful marriage, why unsuccessful marriage*, translation of Firouzbakht, M. (2016), Abjad Publishing House, Tehran. (In Persian).
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2003). A Two-Factor Model for Predicting When a Couple Will Divorce: Exploratory Analyses Using 14-Year Longitudinal Data. *Family Process*, 41(1), 83-96.
- Hakim, S. M., & Zahedifar, B. (2010). Causes of Divorce from the Viewpoint of Islam. *Journal of Women's Strategic Studies*, 13 (49).293-348. (In Persian).
- Hosseinie Birjandi, S. M. (2016). *Pre-marriage counseling and education*, Avaye Noor Publications, Tehran. (In Persian).
- Jockin, V., McGue, M., & Lykken, D. T. (1996). Personality and Divorce: A Genetic Analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71 (2), 288-299.
- Kalantari, A., Roshanfekar P., & Javaheri, J. (2011). Three decades of research on "causes of divorce" in Iran, *Journal of the Social and Family Cultural Council of Women and Family*, 14(53), 129-162. (In Persian).
- Kalantari, A., & Roshanfekar P. (2015). *Divorce in Iran*. Jameshenasan Publications. (In Persian).
- Khazaei, S., Navabinejad, S., Farzad, V., & Zaharakar, K. (2016). Psychometric properties of Covert Relational Aggression Scale, *Journal of Research in Psychological Health*, 10(2), 1-14. (In Persian).
- Kazemi, P. (2003). *The effectiveness of Life Quality Improvement Program on Marital Satisfaction and Healthy Living*, Thesis of Master's Degree in clinical psychology, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian).

- Khodadie Sangdeh, J., Nazari, A. M., & Ahmadi, K. (2015). Prognosis of a successful marriage: the role of effective marital agents based on socio-cultural status. *Journal of Strategic Studies in Sports and Youth*, (29)97- 108(In Persian).
- Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2016). Does Couples' Communication Predict Marital Satisfaction, or Does Marital Satisfaction Predict Communication? *Journal of Marriage and Family*, 78, 680–694.
- Olson, D. H., Olson, A.S. P., & Larson, J. (2006). *Find your relationship strengths (the couple checkup)*. Translated Darini M., Navabinejad, S. (2012). Tehran University Press. (In Persian).
- Paik, A. (2011). Adolescent Sexuality and the Risk of Marital Dissolution. *Journal of Marriage and Family*, 73, 472 – 485.
- Rahimi, A. (2009). *Successful Marriage*, Jamal Publications. (In Persian).
- Rosen-Grandon, J. R. Myers, J. E. & Hattie, J. A. (2004).The Relationship between Marital Characteristics, Marital Interaction Processes, and Marital Satisfaction. *Journal of Counseling & Development*. 82, 58–68.
- Sahebdel, H., Zaharakar, K., & Delaware, A. (2016). Identifying Successful Marriage Indices (A Qualitative Study) Quarterly, *Journal of Clinical Psychology and Advice of Ferdowsi Mashhad*, 5(2), 46-32. (In Persian).
- Saldana, J. (2013). *The Coding Manual for Qualities Researchers*. Translated by Givian, A. (2016). Science and Culture Publication, Tehran. (In Persian).
- Sanaeie Zaker, B. (2008). *Family and Marriage Measurement Scales*. Tehran, Behsat Publications. (In Persian).